



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۳، دوره ۷، شماره ۳، صص ۸۵۶-۸۴۳

بررسی موانع جلب مشارکت زنان در مدیریت شهری

مجید گودرزی^{۱*}، زهرا سلطانی^۲، زینب دلفی^۳

۱-دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

m.goodarzi@scu.ac.ir

۲-دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳-دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹

چکیده

موضوع مشارکت و کاربرد آن در علوم مختلف خصوصاً شهرسازی و برنامه‌های توسعه شهری چندین دهه است که مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار گرفته و از جمله عوامل و مؤلفه‌های موفقیت طرح‌های شهری به شمار می‌آید؛ اما در اکثر موارد بیان این موضوع و کاربرد آن منحصر به گروه‌های خاص در جامعه بوده و از توجه مستقیم به زنان به عنوان نیمی از جمعیت شهروندی بازمانده است. این موضوع با هدف بررسی موانع جلب مشارکت زنان در مدیریت شهری انجام شده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای جهت گردآوری اطلاعات در مورد مبانی تئوریک موضوع پژوهش و کمک به تهیه و تنظیم ابزار جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، از پرسشنامه محقق ساخته نیز استفاده شد؛ حجم نمونه آماری پژوهش حاضر را زنان شهر اهواز از مقطع سنی ۲۰ تا ۴۵ سال تشکیل داده‌اند؛ که تعداد آنها ۲۰ نفر می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از آزمون T استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد دو فرضیه مطرح شده نشان می‌دهد فرضیه اول با میانگین ۳/۵۸ و فرضیه دوم با میانگین ۳/۷۵ مورد تایید قرار گرفتند. نتیجه اینکه برای حل این موانع، نیاز به یک رویکرد جامع و چندبعدی است که شامل آموزش، تغییر نگرش‌ها، ایجاد فرصت‌های برابر و حمایت از زنان در مسیر توسعه و پیشرفت حرفه‌ای است.

واژگان کلیدی: موانع، جلب مشارکت زنان، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، مدیریت شهری.

بیان مساله

زنان به طور معمول نیمی از جمعیت هر جامعه ای را تشکیل می دهند؛ بنابراین مشارکت آن ها در همه فعالیت های از جمله فعالیت های اجتماعی یک امر ضروری جهت توسعه پایدار است مشارکت زندان برنامه های شهری را مشروعیت بخشیده و آن را نهادی می سازد (Qolipour, 2001:145).

در اکثر کشورهای توسعه یافته یکی از مسائل مهم در مدیریت شهری مشارکت پایدار همه گروه های اجتماعی در رسیدگی به امور شهری است. بدون شک مشارکت مردم و شهروندان از تمامی اقشار و گروه های سنی، اصلی ترین عامل در راه موفقیت مواد قانونی و دستیابی به شهری ایده آل در تمامی زمینه هاست. گفتنی است مشارکت مردم به خصوص زنان در امور شهر یکی از اهداف جوامع معاصر است. اگرچه افکار عمومی به این گونه امور حساس نیست، اما ضروری است تا ساز و کارهایی پدیده آمده و ابزارهایی واقعی برای تسهیل این مشارکت به کار رود (نجاتی، ۱۳۸۱: ۱۵۳). در این میان در کشورهای در حال توسعه مانند ایران زنان علیرغم حمایت های انجام شده هنوز نتوانسته اند نقش موثری در اداره امور شهری داشته باشند. گسترش روز افزون شهرها و واگذاری وظایف و فعالیتهای جدید به مدیریت های شهری نگاه نوین و جامع به این مقوله را می طلبد (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۸). اگرچه زنان بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و از لحاظ دانش و توانایی ظرفیت های نهفته ای دارند، اما سهمی بسیار اندک (حدود ۵ درصد) در بکارگیری پست های مدیریتی، به ویژه مدیریت شهری دارند (بابایی زکیلی، ۱۳۸۶: ۳۲). استان خوزستان با دارا بودن پتانسیل بسیار بالایی برای اشتغال زایی تنها زنان در این استان ۲۲ درصد مشاغل دولتی را در اختیار دارند خوزستان جزء پایین ترین رتبه ها از نظر انتصاب زنان در جایگاه مدیریت شهری در کل کشور می باشد. آمار زنان در پست های مدیریتی شامل یک مدیر کل، چهار معاون مدیر کل در حوزه استانداری، یک دهیار، ۸۴ عضو شورای شهر و روستا، یک فرماندار، یک شهردار، دو معاون فرماندار و یک بخشدار می باشد. براساس سرشماری سال ۹۵ کلاتشهر اهواز با جمعیت ۱۳۰۲۳۰۲ نفر مرکز استان خوزستان می باشد. تعداد افراد شاغل در شهر اهواز ۳۳۳۲۹۵ نفر بوده از این تعداد شاغل ۸۱ درصد مرد و ۱۹ درصد را زنان تشکیل می دهند و همچنین حضور زنان در عرصه های مدیریت شهری کمتر از ۳ درصد بوده و هر چه به سمت سطوح مدیریتی بالاتر پیش می رویم، تعداد زنان کاهش پیدا می کند. بدین ترتیب فرضیه پژوهش بدین گونه مطرح می شود: به نظر می رسد به نظر می رسد فرهنگ مردسالاری مانع مشارکت زنان در مدیریت شهری است به نظر می رسد عوامل اجتماعی مانع مشارکت زنان در مدیریت شهری است.

مبانی نظری

مشارکت^۱

فرهنگ انگلیسی آکسفورد، مشارکت را به عنوان "عمل یا واقعیت شرکت کردن بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن" دانسته است. در تعریفی دیگر، مشارکت "درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را برمی انگیزد تا برای دستیابی به اهداف گروهی، یکدیگر را یاری دهند. آلن بیرو، مشارکت را به معنای همکاری، شرکت یا حضور داشتن دانسته است. از دیدگاه او صرفاً حضور یک فرد در اجتماعی که برای بحث و تصمیم گیری درباره مسئله ای تشکیل شده است، می تواند به عنوان مشارکت داشتن تلقی شود؛ اما آنچه مهم است عنصر آگاهی و رغبت در مشارکت است. به طوری که برخی آن را تعقل آگاهانه برای انجام بخشی از امور در شکل همکاری از روی رغبت و به مقصد بهبود و بهسازی زندگی اجتماعی می دانند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۸)

¹ - Participation

واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاصی می باشد، در مورد معنای اصطلاحی آن بحث های فراوانی شده است ولی در مجموع می توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست. اوکلی^۲ در تعریف مشارکت سه تعبیر را مطرح می کند که عبارتند از:

- مشارکت به عنوان سهم داشتن که معتقد است این تعبیر در مورد پروژه های بهداشتی، جنگلداری، تأمین آب و امور زیربنایی در جهان سوم صادق است.

مشارکت به عنوان سازمان که در این تعبیر سازمان به عنوان ابزار و سازوکار اصلی مشارکت مطرح گردیده و بر تشکیل تعاونی ها، مؤسسات کشاورزی و غیره تأکید دارد.

- مشارکت به عنوان توانمندسازی که در این تفسیر بر برخوردار شدن مشارکت کنندگان از مهارت، دانش ها، قابلیت های توسعه ای و توان تصمیم گیری تأکید دارد (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۶).

مشارکت در مدیریت شهری

رشد بی رویه توسعه شهرنشینی در عصر امروز بویژه افزایش جمعیت در شهرهای کشور مسائل و مشکلات بسیاری را بر جای گذاشته است که حل آنها از توان مدیریت سنتی خارج است و مشارکت همه شهروندان را در اداره امور شهری طی می کند. برای حل این معضلات توجه به مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی در سطح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی، ازین بردن فرهنگ حاشیه نشینی، شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، بسط ارزش های دموکراتیک سهم شده در منابع قدرت و تقویت روحیه مسئولیت پذیری همراه است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۸). مشارکت در مدیریت شهری یعنی ارتباط متقابل مردم با مدیریت شهر به صورتی که بتوانند در شهر تأثیرگذار باشند. دخالت مردم در امور شهری از اصیلترین شیوه های رشد ملی به شمار می آید، تجربه سودمند و شوق انگیز محلی در اداره امور جمعی، رغبت مردم را برای پرداختن به کارهای بزرگتر ملی تحریک می کند و آنان با تکیه بر نتایج سودمند که از مشارکت محلی به دست می آوردند، به مشارکت های بزرگ ملی کشوری راغب می گردند (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۶). سانوف معتقد است که مشارکت مردمی به معنای همکاری مردم در دنبال کردن اهدافی است.

که خود آن را تعریف کرده اند. از دیدگاه وی، مشارکت عبارت است از دخالت مردم در ایجاد و مدیریت محیط های طبیعی و مصنوع خود و ارزش مشارکت اجتماعی در آن است که از مرزها و آموزه های حرفه ای سنتی عبور می کند. کنش مشارکت اجتماعی بر پایه این اصل قرار دارد که اگر شهروندان فعال باشند _ به جای آنکه با آنان به عنوان مشتریان منفعل رفتار شود و در خلق و اداره محیط های طبیعی و مصنوع خود دخالت کنند، آنگاه محیط دارای عملکرد بهتری خواهد بود (سنایی و قدیری، ۱۳۹۷).

گونه های مشارکت شهروندان

مشارکت فردی: در مشارکت فردی، فرد پیشنهاد خود را به کارفرما، کارگزار و یا مسئول ارائه می دهد و به این ترتیب در تصمیم گیری دخالت می کند. مسئول مربوطه ممکن است پیشنهاد را بپذیرد یا نپذیرد. در اینجا فرد فقط وظیفه ارائه پیشنهاد را دارد و تصمیم گیری در اجرای آن و مسئولیت عواقب آن بر عهده کارفرما است. مشارکت از طریق ارائه پیشنهاد به نحو گسترده ای در مؤسسات و کارخانجات فنی به کار می رود. هر ساله در کشور ژاپن میلیون ها پیشنهاد از طرف کارکنان به کارفرمایان ارائه می شود که درصد قابل توجهی از آنها به کار گرفته می شود.

مشارکت گروهی: در این نوع مشارکت افراد با هم در تصمیم گیری سهم می شوند، در مشارکت گروهی سهم افراد در تصمیم گیری و عواقب مربوط به آن برابر است. مشارکت در تقسیم بندی دیگری ممکن است به صورت ذهنی یا عملی صورت پذیرد. -مشارکت ذهنی: یعنی توانایی فرد در ارائه پیشنهاد و تصمیم گیری،

² - Oakley

- مشارکت عملی: یعنی دخالت فرد در اجرا و بهره برداری و مراقبت از یک فعالیت.

علاوه بر تقسیم بندی های پیش گفته، گاهی مشارکت را به دو صورت مشارکت جزئی و کامل نیز تقسیم بندی می کنند:

- مشارکت جزئی: به مشارکتی که افراد شرکت کننده سهم برابری در تصمیمگیری برای کار ندارند، گفته می شود.

- مشارکت کامل: مشارکتی که در آن اعضاء قدرت برابری برای تاثیرگذاری در تصمیم گیری ها دارند.

و به عبارتی سهم افراد برابر است (اسکندری ثانی و همکاران، ۱۳۹۶).

انواع مشارکت از لحاظ موضوع

به لحاظ موضوعی مشارکت را به گونه هایی چون مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و ... تقسیم بندی می کنند؛ اما باید توجه داشت که تفکیک دقیق آنها به دلیل درهم تنیدگی، همپوشی و مکمل یکدیگر واقع شدن امکانپذیر نیست و معمولاً یا به صورت عام از مشارکت بحث می شود و یا به صورت ترکیبی، مانند مشارکت اجتماعی - سیاسی و اقتصادی

مشارکت فکری-ذهنی: این نوع مشارکت مورد تأکید روانشناسان اجتماعی است و دلالت بر نوعی درگیری ذهنی و عاطفی دارد که زمینه ساز ابتکارات جمعی است. مشارکت روانی در قالب ایجاد تغییر و دگرگونی در ذهنیت ها و شکستن عقاید قالب نامناسب و شرکت در عمل جمعی مشترک، گرایش و آمادگی روانی لازم را برای کنش جمعی فراهم می نماید (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۷).
مشارکت سیاسی: درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. تعریف ناظر بر مشارکت سیاسی، بر نقش مشارکت در سلسله مراتب قدرت تأکید دارد. به نظر هانتینگتون^۳ مشارکت سیاسی عبارت است از فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم گیری سیاسی دولت آنتونی گیدنز در بحث مشارکت سیاسی به مردم سالاری مشارکتی اشاره نموده و آن را نظامی میداند که در آن تصمیمات به طور جمعی توسط کسانی که این تصمیمات بر زندگیشان تأثیرگذار است گرفته می شود (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۷).

مشارکت اقتصادی: در واقع "مشارکت اقتصادی بر تأثیرگذاری بر شیوه و پویای تولید، روابط حاکم بر این پویا و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید متمرکز است که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می کند. مشارکت اقتصادی با فرایند تولید و نظام های تولیدی رابطه تنگاتنگ دارد. تعاونی ها، سازمان یافته ترین اشکال مشارکت اقتصادی اند. در کل می توان ادعا کرد که منظور از مشارکت اقتصادی، حضور آگاهانه و مختارانه اقشار مختلف مردم در جهت تولید، پس انداز سرمایه گذاری بیشتر و مطلوب تر، توزیع مناسب و عادلانه، مصرف عقلانی و بهینه از منابع مادی و طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی است (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۷).

مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن های داوطلبانه، باشگاه ها، اتحادیه ها و گروه هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند که در قالب سیاست های اجتماعی، مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می دانند. انجمن های داوطلبانه مهمترین عرصه شکل گیری و ساماندهی فعالیت های مشارکتی در جامعه محسوب می گردند از این منظر، مشارکت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با جامعه مدنی دارد. از دیدگاه چلبی انجمن های داوطلبانه نوعی بستر سازی مناسب برای مشارکت اجتماعی را فراهم می آورند. از یک طرف تشکل های مشارکتی با جلب همکاری افراد، زمینه اتصال هرچه بیشتر آنها به جامعه را فراهم آورده و مشارکت فردی در امور اجتماعی را افزایش می دهند و از سوی دیگر با بسط شبکه های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می کنند (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۷).

³ - Huntington

چالش‌های عمده مشارکت زنان

فعالیت زنان در زمینه مختلف اقتصادی در سال‌های اخیر به ویژه در جوامع شهری بسیاری از کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده؛ در این زمینه مواردی متعددی بیان شده که به دلیل اهمیت آنها پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. میزان مشارکت زنان در زمینه‌های مختلف در سراسر جهان رو به افزایش می‌باشد. این روند رو به رشد فرصت‌ها و چالش‌های زیادی را پیشروی زنان و اقتصاد کشورها قرار می‌دهد (نحوی و قربانی، ۱۳۹۲: ۱۴۸). آمارها نشان می‌دهد که بیشترین گروه‌های سنی، گروه‌های سنی ۱۸-۲۶ و ۲۶-۳۹ سال می‌باشد که طی چند سال آینده، بیشترین تراکم را به گروه سنی ۲۸-۳۶ سال (جوانان) منتقل خواهد شد. افرادی که غالباً در این گروه سنی قرار هستند، از نظر آموزشی عمدتاً یا دانش‌آموز و دانشجوی و دانشگاهی هستند و از نظر اقتصادی یا وارد بازار کار شده‌اند و یا در انتظار ورود به بازار کار هستند.

*علیرغم افزایش نرخ مشارکت زنان، هنوز این نرخ در مقایسه با کشورهای در حال توسعه در سطح پایینی قرار دارد که این امر نشان‌دهنده‌ی فراهم نبودن شرایط مناسب جهت تحقق رشد مشارکت زنان است.

*افزایش تعداد زنان با تحصیلات عالی از یک سو و پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی این گروه از سوی دیگر، منجر به ایجاد دوگانگی منزلتی، عدم بازدهی مناسب منابع انسانی و اتلاف سرمایه‌گذاری‌های انجام شده بر روی نیروی انسانی زنان خواهد گردید.

*نابرابری درآمد، بیکاری و فقر در میان آسیب‌پذیرترین و به حاشیه رانده‌ترین قشر جامعه، خصوصاً زنان سرپرست خانوار، بدسرپرست، وجود نابرابری‌ها و ناهمگونی‌های جنسیتی در امر مشارکت اقتصادی، نابرابر در توزیع کارها و دستمزدهای پایین بین زنان و مردان، عدم حمایت‌های مالی و فنی از فعالیت‌های زنان و عدم دسترسی به سرمایه، از جمله موانع موجود در راه توانمند شدن اقتصادی زنان است.

*علیرغم پذیرش عمومی مبنی بر ضرورت ایجاد تعادل جنسیتی در بین تصمیم‌گیران در سطوح مختلف، شکاف بین عدالت قانونی و عدالت واقعی همچنان وجود دارد.

*علیرغم ایجاد و تقویت دستگاه‌های ملی جهت بهبود وضعیت و تقویت مشارکت زنان، همچنین کمبود منابع مالی و انسانی و عدم درک صحیح در بین مسئولان و دست‌اندرکاران نسبت به جاری ساختن امور جنسیتی، حذف کلیشه‌های رایج جنسیتی و برطرف نمودن نگرش‌های تبعیض‌آمیز و اولویت‌ها متناقض دولت، از جمله موانع اصلی اثرگذاری دستگاه‌های متولی امور زنان به شمار می‌آیند.

*برخی از زنان همچنین به اشکال مختلف، قربانی خشونت هستند. شناخت ناکافی نسبت به علل اصلی کلیه اشکال خشونت علیه زنان و دختران و فقدان برنامه‌های جامع در این خصوص، مانع از به ثمر رسیدن تلاش‌هایی می‌شود که در جهت رفع خشونت علیه زنان و دختران صورت می‌گیرد (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

مدیریت^۴

مدیریت عبارت است از فرآیند بکارگیری مؤثر و کارآمد مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و هدایت و کنترل که برای دستیابی به اهداف سازمانی بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۲).

مدیریت شهری

شالوده مدیریت شهری عبارت است از برعهده گرفتن نقشی فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعه شهری (سعیدی، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

4 - Management

مفهوم مدیریت شهری

گسترده‌گی و پیچیدگی مسائل شهری و رشد و توسعه روز افزون شهرها، مدیریت امور شهر را به وظیفه ای دشوار تبدیل نموده است. علاوه بر موضوعاتی همچون محیط زیست، حمل و نقل، ایمنی و برنامه ریزی شهری یکی از عوامل مهمی که تاثیر فزاینده و تعیین کننده ای بر عوامل سازنده شهری دارد، مدیریت شهری است. اگر شهر همچون سازمانی در نظر گرفته شود لازم است که در راس آن عنصری برای برنامه ریزی آینده و اداره امور کنونی قرار گیرد. این عنصر را می توان مدیریت شهر نامید. مسائل بسیاری در شهرها وجود دارد که برای حل آنها و پاسخ به درخواست های موجود در عرصه های زندگی جمعی وجود مدیریت شهری ضروری است. این موضوع به خصوص در مسائل خدماتی و عمرانی عمومی جنبه ویژه پیدا می کند. لذا در اموری مانند تامین بهداشت و نظافت محیط شهر، ایجاد و حفظ فضای سبز، تامین ایمنی شهر و شهروندان و نیازمند وجود سازمانی با تشکیلات مشخص است تا مدیریت شهر به نحوه مطلوب صورت گیرد (زرین کابانی، ۱۳۸۵). بدین سان مدیریت شهری عبارت از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر است؛ و شامل کارکردهای برنامه ریزی، اجرا، نظارت، کنترل و هدایت است که برای اعمال قدرت باید برآمده از اراده شهروندان و قراردادهای اجتماعی باشد.

تعاریف مدیریت شهری

پیش از تعریف مدیریت شهری، ضروری است که مفهوم «مدیریت» روشن گردد. اگرچه مدیریت به شکل‌های مختلفی تعریف شده است اما با نگاهی دقیق به این تعاریف، مشخص میشود که منظور اصلی همه آنها این نکته بوده است: مدیریت روش دستیابی به اهدافی میباشد که برای یک سازمان در نظر گرفته شده است. (طرح بررسی مسائل توسعه شهری مناطق تهران- مطالعات مدیریت شهری، ۱۳۸۲). با وجود تنوع مفهومی مدیریت شهری- که ریشه در تنوع نگرش های موجود به این موضوع دارد میتوان تأکید بر جامعیت و فراگیری سیستم مدیریت شهری را به عنوان فصل مشترک و عام تعاریف ارائه شده استنتاج و معرفی کرد. در این مفهوم، مدیریت شهری باید تمام سیستم شهری اعم از فضای کالبدی و عملکردی آن را تحت پوشش قرار دهد. مفهوم مدیریت شهری چنان گسترده و پیچیده است که به هیچ وجه نمیتوان شهرداری با وظایف کنونی اش را معادل مدیریت شهری دانست مدیریت شهری مترادف است با همه بازیگران عرصه حیات شهر. به این ترتیب همه بخشها و نهادهای مسئول اداره امور مختلف شهر اعم از امور فرهنگی، اجتماعی، آموزش و پرورش، اوقات فراغت، بهداشت عمومی، توسعه کالبدی، امنیت و نظم محلی، زیرساختها و تجهیزات شهری و ... تحت پوشش سیستم مدیریت شهری قرار می گیرند. (سلطان زاده، ۱۳۷۲).

به نظر «صرافی» مدیریت شهری عبارت از سازمان دهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر است. با توجه به اینکه شهر دارای نظام باز است، مدیریت شهری بیش از حیطه کالبدی شهر را در بر می گیرد. (صفوی، ۱۳۹۰). تووینگ و فریدبرگ مدیریت شهری را فرآیندی اجتماعی برای مشارکت گروه های مختلف میدانند. این مدیریت گروه ها را در شبکه های مختلفی که منافع آنها حکم می کند قرار می دهد و توجه به منافع آنها در جهت دهی ساختار شهر، مؤثر میافتد. وسایل لازم برای دستیابی به اهداف و تعیین آزادی انتخابها فرآیندی را باعث میگردند که مدیریت شهری به دنبال آن است (توسلی، ۱۳۸۶).

مدیریت شهری سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیاز ساکنان شهر است. مدیریت شهری یک مفهوم

فراگیر است و هدف از آن سازماندهی دولتی و غیر دولتی برای شناسایی برنامه ها و سیاست های گوناگون و پیاده سازی آن ها با نتایج بهینه است (پرهیزگار و فیروزبخت، ۱۳۹۰: ۴۹) تمامی مراحل پیاده سازی مدیریت در کالبد و اجتماع شهر است. شهر به عنوان پیچیده ترین مصنوع بشر نیازمند به مدیریتی با دارا بودن طیفی از ادراک از این پیچیدگی ها است.

مدیریت شهری فرآیندی است که شامل امور مربوط به سیاست گذاری شهری، برنامه ریزی شهری، تصمیم گیری شهری، نظارت بر برنامه ها و طرح های شهری، تأمین مالی هزینه های شهری و مشارکت در تأمین نیروی انسانی لازم برای اجرای پروژه توسعه شهری است که توسط سازمانهای دولتی و محلی، شهرداریها و شوراهای اسلامی شهر میتواند انجام بگیرد؛ به عبارت دیگر،

مدیریت شهری، کوشش افراد و نهادهایی (شوراها و شهرداریها) است که تلاش میکنند اهداف و راه حل های پیشنهادی در برنامه های شهری از طریق به کارگیری منابع موجود و با مشارکت مردم و یاری سایر دستگاه های اجرایی با حداقل هزینه و حداکثر کارایی در زمان مقرر تحقق یابد (رومیانی، ۱۳۸۲: ۹۱).

مدیریت شهری در دوره های مختلف تاریخی در روند توسعه و یا عدم توسعه سکونتگاه های شهری نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای داشته است. مدیریت شهری به مثابه جزئی از سیستم حکومت محلی زمینه ارائه خدمات مورد نیاز جمعیت ساکن در شهرها و الزامات زندگی جمعی را فراهم مینماید (صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷).

عناصر مؤثر در مدیریت شهری

- ۱- شهرداری: شهرداری به عنوان مهمترین عنصر مدیریت شهری، از جایگاه خاصی در نظام سازمانهای اداری کشور برخوردار است؛ و دیدگاهی نسبت به شهرداری، اصلی ترین عامل در نقض اختیارات و مسئولیتهای آن است.
- ۲- وزارت کشور: مهمترین عنصر ملی مؤثر در مدیریت شهری و شهرداری های ایران وزارت کشور است.
- ۳- شورای اسلامی شهر: از دیگر عناصر رسمی محلی می توان از شورای اداری شهرستان، شورای تأمین شهرستان و ادارات آب و فاضلاب، برق و گاز و مخابرات و فرمانداری نام برد اما علاوه بر عناصر و عوامل رسمی، سیستم مدیریت شهری متأثر از عوامل و سازمانهای غیر رسمی مانند جریانها و جناح های سیاسی و کانون های قدرت شهری نمایندگان مجلس شورای اسلامی، سرمایه داران و صاحبان عوامل اقتصادی، ائمه جمعه مجامع و گروه های متخصص ذیربط در عمران شهری مانند نظام مهندسی و... نیز هست (چهار دولی و دانشمندمالیری، ۱۳۸۹)

اهداف مدیریت شهری

- ۱- ارتقای شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر با توجه به افراد و گروههای کم درآمد
 - ۲- تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار
 - ۳- حفاظت از محیط کالبدی (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸)
- هدف کلان مدیریت شهری، ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه، همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی است و مدیریت شهری در محدوده های زمین و مسکن شهری، خدمات اجتماعی و زیربنای توسعه اقتصادی و زیست-محیطی، به طور یکپارچه وارد میشود (صرافی، ۱۳۷۹). مدیریت شهری و بهره گیری به جا و شایسته از آن، از کارآمدترین راه های رهایی از تنگناها و دشواری های توسعه اقتصادی، اجتماعی و آموزشی است. مدیریت شهری با قابلیت ها و توانایی های بالقوه خود چنانچه به خوبی مورد توجه قرار گیرد می تواند نقش مهم و اساسی را در راستای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی ایفا کند. در بین مباحث مدیریتی، یکی از عمده ترین و شاید جنجال برانگیزترین مفاهیمی که از یک سو تلاش های نظری و بنیادی بسیاری را به خود معطوف ساخته و از دگرسو در تمام سطوح مدیریت سازمان ها اهمیت زیادی پیدا کرده، مدیریت شهری است. به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران تفاوت بین آنچه اداره شهر در حال حاضر دارد با آنچه به دنبال آن است، می تواند شاخصی از مدیریت شهری باشد. در حقیقت به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران مانند پورتر (۱۹۷۶) لافکوئیست و دیویس (۱۹۶۹) این اختلاف مفهوم اصلی مدیریت شهری را تشکیل می دهد. در همین راستا، گتی (۱۹۸۹) لافکوئیست و دیویس بر این اعتقادند که مدیریت شهری کنشی از هماهنگی میان نیازها و ارزش های حرفه ای شهر و نظام تقویت کننده مدیریت است (عفیفی، ۱۳۹۴).

پیشینه

مژدهی و زاهدی (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «بررسی موانع توسعه ای مشارکت زنان در مدیریت شهری» نتایج نشان میدهد وضعیت اقتصادی یکی از عوامل بازدارنده مشارکت زنان (منطقه ۷ شهرداری تهران) در اداره امور شهری است.

باقری و بیرانوند (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «بررسی موانع مشارکت زنان در فضای عمومی شهری» به طور کلی زنان به واسطه نقش اجتماعی مراقبت از کودکان، کهنسالان و بیماران در ارتباط با فضای باز شهری نیازهای خاصی داشته که مستلزم رعایت اصول اخلاقی مراقبتی و تامین نیازهای آنها در فضاهای شهری است.

اعظم آزاده و مشتاقیان (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «موانع مشارکت زنان در فرایند توسعه اجتماعی» نتایج نشان میدهد در شرایطی که الزامات دست یابی زنان به نظام شخصیت پیشرفته نیست و ساخت اجتماعی جامعه زمینه لازم جهت مشارکت زنان در فرایند توسعه را فراهم نمی آورد. کنش اجتماعی نیز نمی تواند هم زمان از طریق نفوذ و ترکیب متقابل کنش ابزاری و کنش سنتی زمینه تغییر و تداوم و بازتولد ساخت اجتماعی را فراهم سازد.

صفایی پور و زاد ولی خواجه (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «تحلیلی بر موانع مشارکت اقتصادی زنان در ایران (نمونه موردی: کلان شهر تبریز)» نتایج این تحقیق حاکی از آن است مهم ترین موانع برای مشارکت اقتصادی زنان شاخص های فرهنگی جامعه است که امتیاز محاسبه شده با استفاده از آزمون RMS، برای این شاخص ۰.۷۲۱ می باشد. همچنین شاخص های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز در رتبه های بعدی قرار دارند که میزان تأثیر آن ها به ترتیب ۰.۶۴۵، ۰.۶۳۲ و ۰.۵۶۷ می باشد. در بین متغیرهای مورد مطالعه نیز مهم ترین موانع مشارکت اقتصادی زنان تبعیض و تفاوت در فرایند اجتماعی شدن زن و مرد در جامعه، طرز تلقی و نگرش جامعه به وظایف زنان، صاحب سرمایه نبودن زنان و عدم وجود نهادهای سیاسی مشارکتی بوده که میانگین محاسبه شده با استفاده از آزمون t تک نمونه ای برای هر کدام به ترتیب ۴.۱۲، ۴.۲۱، ۴.۰۹ و ۳.۸۳ می باشد.

محمدی (۱۴۰۲) در پایان نامه خود با عنوان «بررسی و تحلیل موانع جلب مشارکت زنان در مدیریت شهری کلانشهر اهواز» نتایج نشان میدهد عوامل سازمانی با ضریب ۴/۰۲، عوامل فردی و خانوادگی با ضریب ۳/۹۴ و عوامل اجتماعی و فرهنگی با ضریب ۳/۷۲ به ترتیب دارای ارجحیت تأثیرگذاری بر حضور زنان در سیستم مدیریت شهری بوده است.

دراهکی و بهاری (۱۴۰۳) در مقاله ای با عنوان «مطالعه‌ی برساخت زنان از موانع مشارکت در طرح ریحان شهر: مورد مطالعه منطقه ۱۲ شهرداری تهران» نتایج نشان می دهد پدیده محوری شناسایی شده بازسازی اجتماعی ناهمگونی ساختاری در ذهنیت کنشگران می باشد؛ که از مجموعه شرایط زمینه‌ای شامل: ترجیح مسائل فردی بر مسائل محله، تعارض و فشار نقش، فهم شهرداری به مثابه نهاد خدماتی تا اجتماعی، مجموعه‌ای از شرایط علی شامل: عدم بازخوردهای مثبت از طرح‌های قبلی، اطلاع‌رسانی نامتناسب، مسائل دیده نشده، مبهم بودن طرح ریحان شهر، عدم توجه به میزان توانمندی مشارکت‌کنندگان، ایده‌آل‌گرایی به جای واقعیت‌گرایی، پولی سازی ریحان شهر، نادیده گرفتن زمینه‌های اجتماعی، در حال تکوین بودن، پیچیدگی در آغاز طرح، پیچیدگی در حین اجرا طرح و پیچیدگی فناوری طرح و مجموعه‌ای شرایط مداخله‌گر شامل: برنامه‌های بی‌ثبات، بی‌اعتمادی نهادی، مسائل درون‌سازمانی و بی قدرتی در نربان قدرت نشات می‌گیرد.

ارنست کوزک و بوزانل^۵ (۲۰۱۸)، در تحقیقی با عنوان برابری شغلی زنان و رهبری در سازمانها: ایجاد یک تغییر مثبت مبتنی بر شواهد، به این نتیجه رسیده‌اند که تحقیقات در مورد برابری شغلی و رهبری زنان برای پیشرفت عدالت اجتماعی، فرصت اشتغال برابر و اهداف اقتصاد ملی و جهانی و توسعه پایدار از اهمیت زیادی برخوردار است (ارنست و بوزانل، ۲۰۱۸: ۲۰).

نیل و ازکانلی^۶ (۲۰۱۹) در مقاله با عنوان «موانع سازمانی در برابر زنان در مدیریت ارشد: مقایسه بین دانشگاه های نیوزلند و ترکیه» نتیجه گرفتند که امکان رسیدن زنان به مقام های بالایی مدیریتی مخصوصاً مقام ریاست دانشگاه به دلیل غلبه فرهنگ مرد سالار، به شدت پایین است (نیل و ازکانلی ۲۰۱۹: ۱۷)

وو و همکاران^۷ در سال (۲۰۲۱)، در مقاله به «بررسی تأثیر نقش زنان در رشد و نوآوری» پرداخته‌اند و همچنین میزان نوآوری ایجاد

⁵ -Ernst Kossek & Buzzanell

⁶ - Neale, J. , & Özkanli

⁷ - Xu Wang

شده در سازمانی‌هایی با مدیریت تکنولوژی زنان را با سازمانهای تحت کنترل تکنولوژی مردان مقایسه نموده اند و به این نتیجه رسیده اند که زنان بیشتر به رهبری گرایش دارند تا مدیریت و همچنین تمایل زنان به ارتباطات تحول آفرین بیش از مردان است، پس جنسیت زن در رسیدن به اهداف مؤثر است (وو و همکاران ۲۰۲۱: ۱۸).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی می باشد. در این پژوهش علاوه بر مطالعات کتابخانه ای جهت گردآوری اطلاعات در مورد مبانی تئوریک موضوع پژوهش و کمک به تهیه و تنظیم ابزار جمع آوری اطلاعات مورد نیاز، از پرسشنامه محقق ساخته نیز استفاده شد؛ که گویه های آن در دو بخش (دموگرافیک) جمعیت شناختی و (سؤالات اصلی) پژوهش تهیه و تنظیم شد. این پرسشنامه بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت به صورت بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم بوده است. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط تعدادی از اساتید و صاحب نظران تأیید شده است. حجم نمونه آماری پژوهش حاضر را زنان شهر اهواز از مقطع سنی ۲۰ تا ۴۵ سال تشکیل داده اند؛ که تعداد آنها ۲۰ نفر میباشد. تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی، متناسب و مرتبط با سؤالات صورت گرفت. در سطح آمار توصیفی با استفاده از شاخص های آماری فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی متناسب با سطح سنجش داده ها و مفروضه ای اساسی از آزمون T استفاده شده است.

یافته ها

بر اساس یافته های پژوهش، ۱۲ شرکت کنندگان در گروه سنی زیر ۳۰ سال و ۸ نفر در گروه سنی بالای ۳۱ سال هستند. ۸۰ درصد شرکت کنندگان متأهل و ۲۰ درصد مجرد هستند. همچنین ۱۲ درصد خانه دار، ۴۷ درصد شاغل و ۴۱ درصد دانشجو هستند. برای بررسی «شاخص تاثیرگذاری فرهنگ مردسالاری بر عدم مشارکت زنان در مدیریت شهری» از ۷ گویه استفاده شد که چگونگی توزیع نسبی پاسخگویی به گویه ها در جدول (۱) آمده است. میانگین کل شاخص ها برابر ۳/۵۸ می باشد. باتوجه به این جدول ملاحظه می شود میانگین شاخص ها از لحاظ رتبه از وضعیت مناسبی برخوردار می باشد. بالاترین میانگین مربوط به گویه شماره (۱) داشتن احساس مالکیت مردان بر زنان با میانگین ۳/۷۴، گویه شماره (۶) تبعیض در استخدام و ارتقاء شغلی با میانگین ۳/۷۱ هستند.

جدول ۱: شاخص تاثیرگذاری فرهنگ مردسالاری بر عدم مشارکت زنان در مدیریت شهری

ردیف	میانگین
۱	داشتن احساس مالکیت مردان بر زنان
۲	نابرابری در توزیع قدرت و منابع
۳	عدم توجه مردان به نیازهای روحی، فکری و فرهنگی زنان
۴	باورهای سنتی
۵	هنجارهای اجتماعی
۶	تبعیض در استخدام و ارتقاء شغلی
۷	کم رنگ کشیدن نقش زنان در انجام فعالیتهای متنوع شهری
	میانگین کل

برای بررسی «شاخص تاثیرگذاری عوامل اجتماعی بر عدم مشارکت زنان در مدیریت شهری» از ۷ گویه استفاده شد که چگونگی توزیع نسبی پاسخگویی به گویه ها در جدول (۲) آمده است. میانگین کل شاخص ها برابر ۳/۷۵ می باشد. باتوجه به این جدول ملاحظه می شود میانگین شاخص ها از لحاظ رتبه از وضعیت مناسبی برخوردار می باشد. بالاترین میانگین مربوط به گویه شماره (۴) تعهدات خانوادگی و اجتماعی با میانگین ۳/۹۷، گویه شماره (۵) کمبود حمایت های قانونی و سازمانی با میانگین ۳/۸۶ هستند.

جدول ۲: شاخص تاثیرگذاری عوامل اجتماعی بر عدم مشارکت زنان در مدیریت شهری

ردیف	میانگین
۱	کلیشه های جنسیتی ۳/۷۳
۲	تبعیض و نابرابری جنسیتی ۳/۷۵
۳	مشکلات دسترسی به منابع و فرصت ها ۳/۵۵
۴	تعهدات خانوادگی و اجتماعی ۳/۹۷
۵	کمبود حمایت های قانونی و سازمانی ۳/۸۶
۶	نگرش های منفی نسبت به زنان در محیط های کاری ۳/۷۱
۷	فقدان الگوهای زنانه موفق در مدیریت شهری ۳/۶۹
۸	عدم آگاهی زنان از حقوق و فرصت های خود ۳/۷۷
	میانگین کل ۳/۷۵

آزمون فرضیه ها

فرضیه اول: به نظر می رسد فرهنگ مردسالاری مانع مشارکت زنان در مدیریت شهری است
پس از تعیین میانگین شاخص ها جدول (۱) برای سنجش تاثیرگذاری فرهنگ مردسالاری بر عدم مشارکت زنان در مدیریت شهری از آزمون T استفاده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون T تاثیرگذاری فرهنگ مردسالاری بر عدم مشارکت زنان در مدیریت شهری

One-Sample Test						
t-Test Value =						
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
VAR00001	58.047	6	.000	3.58143	3.4305	3.7324

نتایج حاصل از T تک نمونه ای برای سنجش شاخص تاثیرگذاری فرهنگ مردسالاری بر عدم مشارکت زنان در مدیریت شهری (جدول ۳) نشان داد که میانگین محاسبه شده (۳/۵۸) اختلاف معناداری با میانگین مفروض (۳) دارد و از آنجا که این مقدار به دست آمد بیشتر از حد متوسط (۳) است و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ درصد شده است بنابراین با اطمینان ۹۵٪ نتیجه می گیریم فرهنگ مردسالاری مانع مشارکت زنان در مدیریت شهری است. فرضیه تحقیق مورد تأیید است.
فرضیه دوم: به نظر می رسد عوامل اجتماعی مانع مشارکت زنان در مدیریت شهری است.

پس از تعیین میانگین شاخص ها جدول (۲) برای سنجش تاثیرگذاری عوامل اجتماعی بر عدم مشارکت زنان در مدیریت شهری از آزمون T استفاده شده است.

جدول 4: نتایج آزمون T تاثیرگذاری عوامل اجتماعی بر عدم مشارکت زنان در مدیریت شهری

One-Sample Test						
	t-Test Value =					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
VAR00001	86.122	7	.000	3.75375	3.6507	3.8568

نتایج حاصل از T تک نمونه ای برای سنجش شاخص تاثیرگذاری عوامل اجتماعی بر عدم مشارکت زنان در مدیریت شهری (جدول ۴) نشان داد که میانگین محاسبه شده (۳/۵۸) اختلاف معناداری با میانگین مفروض (۳) دارد و از آنجا که این مقدار به دست آمد بیشتر از حد متوسط (۳) است و سطح معناداری کمتر از ۵٪ درصد شده است بنابراین با اطمینان ۹۵٪ نتیجه می گیریم به نظر می رسد عوامل اجتماعی مانع مشارکت زنان در مدیریت شهری است.. فرضیه تحقیق مورد تأیید است.

نتیجه گیری

یکی از محورهای اصلی توسعه و شاید اصلی ترین آن را باید مشارکت زنان دانست. زنان به طور معمول نیمی از جمعیت هر جامعه ای را تشکیل می دهند؛ بنابراین مشارکت آن ها در همه فعالیت های از جمله فعالیت های اجتماعی امر ضروری جهت دست یافتن به توسعه پایدار است؛ بنابراین یکی از اهداف شهرداری ها ایجاد بسترهایی است که امکان حضور و مشارکت بیشتر زنان در عرصه مختلف اجتماعی را فراهم کند.

موانع فرهنگی:

- **کلیشه های جنسیتی:**

باورهای قالبی در مورد نقش های زنان و مردان در جامعه، می تواند مانع از ورود زنان به عرصه مدیریت شهری شود. این کلیشه ها می توانند شامل این باور باشند که زنان برای مشاغل مدیریتی مناسب نیستند یا توانایی رهبری ندارند.

- **تبعیض و نابرابری جنسیتی:**

در بسیاری از جوامع، تبعیض جنسیتی در فرصت های شغلی و آموزشی وجود دارد که زنان را از دسترسی به موقعیت های مدیریتی باز می دارد. این تبعیض می تواند به صورت آشکار یا پنهان وجود داشته باشد و در انتخاب ها، ارتقاء شغلی و دستمزد زنان تأثیرگذار باشد.

- **فقدان حمایت های فرهنگی:**

عدم حمایت و تشویق کافی از سوی جامعه و نهادهای فرهنگی، می تواند زنان را از ورود به عرصه مدیریت شهری منصرف کند. این حمایت ها می توانند شامل آموزش های تخصصی، مشاوره شغلی و الگوبرداری از زنان موفق در این حوزه باشند.

موانع اجتماعی:

• نابرابری جنسیتی در فرصت‌ها:

زنان ممکن است به دلیل کمبود فرصت‌های آموزشی و شغلی در مقایسه با مردان، توانایی لازم برای ورود به عرصه مدیریت شهری را نداشته باشند. این نابرابری می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی از جمله دسترسی محدود به تحصیلات عالی، تبعیض در استخدام و ارتقاء شغلی و کمبود فرصت‌های شبکه‌سازی باشد.

• عدم اعتماد به نفس و مهارت:

برخی از زنان ممکن است به دلیل تجربه تبعیض و کلیشه‌های جنسیتی، اعتماد به نفس کافی برای ورود به عرصه مدیریت شهری را نداشته باشند. این مسئله می‌تواند ناشی از عدم باور به توانایی‌های خود یا ترس از شکست در محیط کاری مردانه باشد.

• تضاد بین کار و خانواده:

زنان معمولاً مسئولیت‌های بیشتری در قبال خانواده و تربیت فرزندان دارند که می‌تواند با تعهدات کاری در مدیریت شهری در تضاد باشد. این مسئله می‌تواند مانع از مشارکت فعال زنان در این عرصه شود.

موانع فردی:

• فقدان مهارت‌های لازم:

زنان ممکن است به دلیل کمبود آموزش‌های تخصصی و مهارتی، آمادگی کافی برای ورود به عرصه مدیریت شهری را نداشته باشند. این مسئله می‌تواند ناشی از کمبود دسترسی به دوره‌های آموزشی مناسب یا فقدان فرصت‌های یادگیری و تجربه باشد.

• ترس از شکست:

زنان ممکن است به دلیل ترس از قضاوت و انتقاد دیگران، از حضور در مناصب مدیریتی و تصمیم‌گیری در سطوح بالای مدیریت شهری خودداری کنند. این ترس می‌تواند ناشی از کلیشه‌های جنسیتی، عدم اعتماد به نفس و کمبود حمایت‌های اجتماعی باشد. این پژوهش با هدف بررسی موانع جلب مشارکت زنان در مدیریت شهری انجام شد. دو فرضیه مطرح شد که فرضیه اول «شاخص تاثیرگذاری فرهنگ مردسالاری بر عدم مشارکت زنان در مدیریت شهری» میانگین کل شاخص‌ها برابر ۳/۵۸ و فرضیه دوم «شاخص تاثیرگذاری عوامل اجتماعی بر عدم مشارکت زنان در مدیریت شهری» با میانگین کل شاخص‌ها برابر ۳/۷۵ مورد تایید قرار گرفتند. برای حل این موانع، نیاز به یک رویکرد جامع و چندبعدی است که شامل آموزش، تغییر نگرش‌ها، ایجاد فرصت‌های برابر و حمایت از زنان در مسیر توسعه و پیشرفت حرفه‌ای است.

پیشنهاد

بررسی موانع و مشکلات موجود بر سر راه مشارکت زنان در اداره امور شهر.

واگذار کردن سمت‌های مدیریتی و مسوولیت‌های مختلف به زنان متخصص یا با تجربه در سازمان‌های اداری مرتبط با مدیریت شهری.

اعمال مدیریت مشارکتی در مدیریت شهری: منظور از مدیریت مشارکتی به وجود آوردن فضا و نظامی توسط مدیریت است که در آن تمام کارکنان به خصوص کارکنان زن در روند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و حل مشکلات شهری با مدیریت همکاری نمایند.

ایجاد حساسیت بین کارمندان زن، یعنی متوجه ساختن آنها به این نکته که نتایج و پیامدهای مشارکت آنها در اداره امور شهر متوجه همه شهروندان و به خصوص خود آنها می‌شود.

با توجه به افزایش سطح تحصیلات بانوان، احتمالاً تمهید فرصت استخدامی برابر، موجب افزایش تعداد زنان در سازمانها به خصوص سازمان‌های مرتبط با مدیریت شهری خواهد شد.

برای تغییر در فرهنگ ابتدا باید در دیدگاهها و نگرشها تغییر ایجاد شود. گاهی زنان در شهر و سازمانهای مربوط به آن کم ارزش و شهروند دست دوم تلقی می‌شوند، از این رو توصیه می‌شود تلاش مضاعفی برای افزایش عدالت در انتصابات مبذول شود.

منابع

- اسکندری ثانی، محمد؛ سجادی، ژیلا، ۱۳۹۳، کنش جمعی، توسعه اجتماعات محلی و نقش آنها در کاهش فقر شهری مورد شناسی؛ نعمت آباد تهران، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهر، شماره ۱۱.
- اعظم آزاده، منصوره و مشتاقیان، مرضیه، ۱۳۹۵، «موانع مشارکت زنان در فرایند توسعه اجتماعی»، نشریه مسائل اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۱، صفحات ۳۱-۵۵.
- بابایی زکلیکی، محمدعلی، ۱۳۸۶، مطالعه نوع مشاغل مدیریتی و نیازهای شغلی زن در سازمانهای دولتی، فصل نامه مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۲، صفحات ۲۱-۳۳.
- باقری، نسرین و بیرانوند، حمید، ۱۳۹۵، «بررسی موانع مشارکت زنان در فضای عمومی شهری»، کنفرانس بین المللی علوم انسانی و علوم رفتاری، شهریورماه.
- بزی، خدارحم و سرگلزایی، صدیقه، ۱۳۹۱، ارزیابی نقش و جایگاه زنان در مدیریت شهری با استفاده از تکنیک TOPSIS مطالعه موردی زابل، برنامه ریزی فضایی، دوره ۲، شماره ۱، (پیاپی ۱)، فروردین، صفحات ۱۰۷-۱۲۰.
- پرهیزکار، اکبر و فیروزبخت، علی، ۱۳۹۰، چشم انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی - پژوهشی، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان.
- توسلی، غلامحسین، ۱۳۸۶، نظریه های جامعه شناسی، تهران، سمت، چاپ سیزدهم.
- چهار دولی، منوچهر؛ دانشمند ملایری، فتنه (۱۳۸۹) کاربردهای سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در مدیریت مسائل شهری، همایش منطقه ای شهر، شهروند و مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم؛ احمدی پور، زهرا و فانی، علی اصغر، ۱۳۹۲، مدیریت سیاسی فضا در سیستم های بسیط متمرکز، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۹، شماره ۱.
- دراهمی، احمد و بهاری، مزده، ۱۴۰۳، «مطالعه‌ی برساخت زنان از موانع مشارکت در طرح ریحان شهر: مورد مطالعه منطقه ۱۲ شهرداری تهران»، فصلنامه برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه ای، دوره ۹، شماره ۳۰، مهرماه، صفحات ۱-۴۸.
- رومیانی، حجت، ۱۳۸۲، حکمرانی خوب، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۴ تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.
- زرین کاویانی، علی، ۱۳۸۵، علل و پیامد های محرومیت اجتماعی فضایی ناحیه ی شهید - رجایی آبدانان (ایلام)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- زیاری، کرامت اله، بیک محمدی، حسن، رضایی کوچی، محمود. (۱۳۹۸) بررسی نقش مشارکت شهروندان در افزایش موفقیت مدیریت شهری مورد: کلانشهر شیراز. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال ۱۰، شماره پیاپی ۸۳، صفحات ۶۲-۵۱.
- سعدی، حشمت اله، لطیفی، سمیه و ودادی، الهام، ۱۳۹۱، بررسی مسائل و مشکلات دختران روستایی در استان همدان، روستا و توسعه، شماره ۱، سال ۱۵، بهار.
- سعید نیا، احمد، ۱۳۸۳، طراحی شهری در ایران، کتاب سبز راهنمای شهرداریها، جلد ۵، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
- سعیدنیا، احمد، ۱۳۷۹، مدیریت شهری، کتاب سبز شهرداری، جلد یازدهم، تهران، انتشارات سازمان شهرداریها.
- سلطان زاده، حامد، ۱۳۷۲، مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر.

سنایی، مجید، قدیری، وحید. ۱۳۹۷، تحلیلی بر تحقق حکمروایی خوب شهری، رویکردی جهت ارتقا مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری شهر کرج. وزارت علوم تحقیقات و فناوری، موسسه آموزش عالی کمال الملک، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت شهری.

شارع پور، محمود، رضایی، احمد، صادقی، حجت اله. ۱۳۹۶، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش شهروندان نسبت به مشارکت در مدیریت شهری (مورد مطالعه شهر فارس). پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی - گرایش جامعه شناسی، دانشگاه مازندران.

صراف، مظفر، عبداللهی، مجید، ۱۳۸۷، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۳، صفحه ۱۱۵-۱۳۴.

صفایی پور، مسعود و زاد ولی خواجه، شاهرخ، ۱۳۹۵، «تحلیلی بر موانع مشارکت اقتصادی زنان در ایران (نمونه موردی: کلان شهر تبریز)»، جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، سال ۵، شماره ۱، بهار و تابستان.

صفوی، سارا، ۱۳۹۰، بررسی جایگاه مدیریت عمران شهری در تحقق طراحی شهری مطلوب؛ نمونه موردی: برنامه های توسعه و عمران در تهران، دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲.

طرح بررسی مسائل توسعه شهری مناطق تهران، ۱۳۸۲، مطالعات مدیریت شهری، مهندسان مشاور بافت شهر، شهرداری تهران معاونت شهرسازی و معماری.

غفیفی، رامین، ۱۳۹۴، اثربخشی مدیریت دانش بر مدیریت شهری از نظر مدیران شهرداری منطقه یک شهر تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال هفتم، شماره بیستم و سوم.

لطفی، ح، ۱۳۸۸، مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان، مجله جغرافیای انسانی، شماره ۱

محمدی، سمیه (۱۴۰۲) «بررسی و تحلیل موانع جلب مشارکت زنان در مدیریت شهری کلانشهر اهواز»، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، به راهنمایی دکتر سعید امانپور و دکتر مسعود صفایی پور، دانشگاه شهید چمران.

مژدهی سارا و زاهدی، شمس السادات، ۱۳۸۸، «بررسی موانع توسعه ای مشارکت زنان در مدیریت شهری»، مجله پژوهشنامه، شماره ۴۲، پاییز، صفحات ۲۲۸-۱۸۳.

نحوی، ابوذر و قربانی، محمد، ۱۳۹۲، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در بازار کار (مطالعه موردی شهر مشهد)، زن مطالعات خانواده، شماره ۱۷، سال ۵، صفحات ۱۵۸-۱۴۷.

Ernst Kossek & Buzzanell, (2018). Womens career equality and leadership in organizations: Creating an evidence-based positive change, wileyonlinelibrary.com/journal/Hum Resour Manage. 92:220-255.

Neale, J. , & Özkanli, O. (2019). Organizational barriers for women in senior - management: a comparison of Turkish and New Zealand universities. Gender and Education Journal, 5 (99), 567-562.

Xu Wang , Shenglian Deng, Ilan Alon , (2021) Women executives and financing pecking order of GEM-listed companies Moderating roles of social capital and regional institutional environment, Journal of Business Research 136 : 466-478.